

## انقلابِ اداری، اصلاحِ قوانین، روش قضائی

در زمینه انقلاب و بهبود اداری دستگاهها و مراجع رسمی (و مؤثرترین آنها) دادگستری و مراجع قضائی و اصلاح قوانین (اسلوباً و منطوقاً و مفهوماً و مقصوداً) و دستگاههای مجری قوانین و عاملین مقررات موضوعات مختلف و متنوعی شایسته بررسی و بحث و تحقیق و نقض و ابرام است. و مقدمتاً برای (حسن نظم و گویائی قوانین و) سهولت تشخیص منظور و پی بردن به مقصود اوامر و نواهی و تشخیص علل احکام مثبت و منفی و توجه بفرسفه سلبی و ایجابی قوانین تذکرات زیر اقتضا دارد در جلساتی که بدستور وزارت دادگستری بموجب بخشنامه ۲۶۴۴۴۴ - ۵۱۳۳۶ در کلیه مراجع قضائی کشور ماهی دو مرتبه تشکیل میگردد مورد توجه و بررسی قرارگیرد<sup>۱</sup>.

الف - صورت واسکله بندی قوانین مقتضی (بلکه تا حد ضرورت لازم) است تغییر کند و هر قانونی بمباحث و ابوابی تقسیم و هر مبحث و بابی از ماده ۱ شروع

---

۱ - بخشنامه ۲۶/۴۴۴۴ و دستور وزارت دادگستری بتشکیل کمیسیون ماهی دو مرتبه در تمام دستگاههای قضائی کشور برای بحث و رسیدگی بنواقص و معایب قوانین و اظهار نظر و پیشنهاد اصلاحی بوزارت دادگستری در مجله کانون سردفتران شماره چهار سال چهارده مجله (خرداد و تیر ۵۱) درج شده است.

شود تا نواقصی که در اثناء عمل بر خورد میشود (بصورت موادی) یا قوانینی که بر حسب مقتضیات و شرایط موقع و زمان بوجود میآید و ارتباط با هر مبحث و باب قانونی دارد بر مواد همان مبحث و باب همان قانون اضافه گردد و از پخش و پلا بودن مقررات مربوط بیک قانون (که هیچ خاطره و حافظه توانائی حفظ و نگهداری آنرا ندارد) و مشکلاتی (علاوه و اضافه بر سرگردانی دادرسان و عاملین بقوانین) بوجود آورده جلوگیری شود یا لااقل تقلیل یابد.<sup>۱</sup>

ب- در زمینه اصلاح مواد و اصلاح اصلاحی ها مواد مکرر یا نسخ بعضی مواد قوانین که در مواد دیگر همان قانون یا قانون دیگر مورد حکم یا امر یا نهی خاص و تکلیف جدیدی قرار گرفته (یا دائره آن تضییق یا توسعه یافته) تکلیف معین نیست ماده قبل از اصلاح بایستی در مورد ماده ای که اشاره بماده مذکور نموده و حکم آن را در مورد دیگر لازم العمل قرار داده مورد عمل واقع شود یا ماده اصلاحی که بعد از ماده ارجاعی اصلاح شده.<sup>۲</sup>

ج- حکم قبل از نسخ ماده منسوخه در مورد ماده ارجاعی (که بقوت خود باقی میماند) لازم العمل میماند یا نه.<sup>۳</sup>

- ۱- با وضع فعلی قوانین و تشتت آنها هیچ دادرسی اطمینان ندارد که تصمیم و نظریه ابرازی کاملاً منطبق با مقررات و قوانین حاکمه وقت باشد.
- ۲- در چنین مواردی لازم بنظر میرسد وضع مواد ارجاعی نسبت بشمول مورد اصلاحی مواد اصلاحی در ماده اصلاحی تصریح شود و در صورت عدم تصریح شمول و تسری ماده ارجاعی بر قسمت اصلاحی ماده اصلاحی مشکل بلکه بدون تردید دور از منطوق و بدون مجوز قانونی خواهد بود.
- ۳- اگر لازم العمل باقی میماند ماده نسخ شده محسوب نیست بلکه محدود شده است یعنی حدود حکومت قانون تضییق و محدود شده است و اگر لازم العمل باقی نماند ماده ارجاعی هم نسبت بمورد ماده منسوخه منسوخ شده خواهد بود - موضوع اصلاح و نسخ موادی پس از آنکه مورد امر و نهی و اجرا و عمل و تکلیف خاصی در مواد و قوانین دیگر قرار گرفته و موجب مشکلات گردیده در غالب (بلکه در همه) قوانین دیده میشود. برای نمونه بمواد قانون ثبت و تحولات آن از بدو پیدایش تا هم اکنون مراجعه و بررسی شود.

د - مسلم است علم حقوق صحرای بی حد و اوقیانوس بی ساحل است که هر اندازه نصوص قانون توسعه داشته باشد نمیتواند شمه از فروع شعبه از شعبات دانش حقوق را پیش بینی نماید چه رسد باستیفاء تمام موضوعات و فروع. لذا برای حل مشکلات حقوقی که در قانون پیش بینی و تصریح نشده و هر اندازه توسعه یابد هم نمیتواند پیش بینی نماید، محتاج بیک مبانی و اصول و قواعدیست که راهنما و وسیله حل رموز و مشکلات و کلید گشایش معضلات دعاوی باشد تا از دریای موج و پرخطر حقوق وسیله نجاتی داشته و بتوان بربیک پایه معقول و مایه مقبول و مبنا و اصول و قاعده پذیرفته شده در رفع خصومات بساحل تشخیص حق و واقع نزدیک شد و قانون فاقدیک چنین قواعد و مبانی است.<sup>۱</sup>

### مجملاً

تردید نیست کلیه قوانین سابق و لاحق. قدیم و جدید از نظر عنوان و موضوع و مقصود خوب و ضروری بوده و هست که بر حسب مقتضیات زمان پی ریزی و بوجود آمده ولی از نظر تعبیر و مفهوم و منطوق بسیاری از مواد قوانین (مخصوصاً قوانین جدید) و مقررات مقرر شده آنها نه فقط بی نظم و مشوش و غیر منطبق با مقصود اصلی است بلکه در مواردی معارض مبانی عقلی و نقلی و قواعد علمی دانش حقوق و در مواردی مخالف با قانون اساسی و قوانین در حکم قانون اساسی است و علت آنهم این است که غالب تهیه و تنظیم کنندگان لوایح قانونی فاقد مهارت و اطلاعات لازم و صلاحیت علمی برای تنظیم و تهیه لوایح قانونی بوده اند و چه بسا بر موز

۲- اگرهم اتفاقاً قاعده از قواعدی اصلی از اصول نظیر ماده ۳۵۶ و ۳۵۷ آئین دادرسی مورد تعرض و نص قانونی واقع شده با یک عبارت ناقص و بیان قاصر است که موقعیت اصل کلی و ارزش قاعده شامل را فاقد شده است.

معانی لغات و کلمات بکارگرفته شده در قوانین هم آشنائی نداشته و لغات و کلمات و جملات را در غیر موارد بکار برده‌اند که مشکلات حل نشدنی بوجود آمده<sup>۱</sup>.

۵- از جمله موجبات و عوامل بدنظریها و ایجاد مشکلات اغلاطی است که در پانویس مواد قوانین (اعم از کیفری و مدنی) و در چاپ آنها رخ داده که بکلی مقصود و معنی ماده را تغییر میدهد مثلاً کلمه (یا) بکلمه (با) و کلمه (با) بکلمه (یا) و... تبدیل میگردد و مجریان و عاملین بقوانین که آشنائی و اطلاع کافی (در حد ضروری و لازم) بقواعد و مبانی دانش حقوق ندارند نمیتوانند متوجه اغلاط استنساخی و چاپی بشوند و این گونه اغلاط مخصوصاً در قوانین کیفری بسیار مهم و چه بسا منتهی بمفاسد غیر قابل جبرانی در حدود مفاسد اشتباه در تشخیص بیماری و نسخه‌های غلط پزشکان گردد که اقتضا دارد مجموعه‌های قوانین چاپ قبل از آنکه اجازه انتشار داشته باشند و در اختیار مراجعین و اجراکنندگان قرارگیرد در کمیسیونی متشکل از دانشمندانی بررسی و بامتن لوایح قانونی و قانون تصویب شده تطبیق و تصحیح و گواهی شده کمیسیون قابل انتشار و در اختیار عاملین و اجراکنندگان قرارگیرد.

چه با تغییر کلمه (اعزام) بکلمه (اعدام) بی‌گناهی سردار میرود و با تبدیل کلمه (یا) که مفید تعدد و بدلیت است بکلمه (با) که مفید جمع و معیت است بکلی مقصود قانون با مفهوم تعبیر غلط ماده تعارض و تضاد پیدا میکند و این گونه اشتباهات در قوانین مدونه و مجموعه‌های چاپ شده بسیار است.

۱- بامراجعه بقانون جاری مالیات مصوب ۴۵ دانسته و تصدیق خواهد شد قانون مزبور (با بکارگرفتن کلمات و لغات در غیر مورد) در ردیف (علم جفر است بزبان آفریقائیه‌ای کره مریخ).

## کمیسیون بررسی لوایح قوانین

از جمله امور بکه (در زمینه انقلاب اداری) برای سلامت قوانین و تطبیق اوامر و نواهی با قواعد و مبانی علمی و حسن عمل عاملین و سلامت در اجرای مجریان و جلوگیری از تعارض و تضاد قوانین مختلف با یکدیگر ضرورت دارد این است که همواره يك کمیسیون دائمی متشکل از دانشمندان واقعی (نه.....) وجود داشته باشد و هیچ لایحه قانونی قبل از طرح در کمیسیون مزبور و اصلاح مفاسد و رفع معایب و تکمیل نواقص آن بمجالس مقننه پیشنهاد و تقدیم نگردد تا از تضاد و تعارضها و مبیانت با قواعد علمی پذیرفته شده دانش حقوق و مخالفت با قانون اساسی و قوانینی که در حکم آن است (و در بسیاری از قوانین جاری وجود دارد) جلوگیری و مصون بماند. اگر چنین کمیسیونی وجود داشت و لوایح قانونی قبل از تقدیم بمجالس مقننه در کمیسیون مزبور مورد رسیدگی و بررسی قرار میگرفت با در نظر داشتن متن و حاشیه و توجه به ظاهر و باطن. سطح و عمق. اطراف و جوانب و تطبیق با مبانی و قواعد. با حسن اسلوب و سلامت تعیین وجه جمع بین قوانین مراعات میگردد و از تضاد و تعارض و تضاد بین قوانین (و چه بسا بین مواد يك قانون) جلوگیری میشود.

### يك نمونه

اگر لایحه قانون جاری مالك و مستأجر (مصوب ۳۹) قبل از طرح در مجالس مقننه در کمیسیون مرقوم مورد بررسی قرار میگرفت بدون تردید در ماده ۶ آن بدفاتر تکلیف نمیشد در اجاره نامه ها بطور الزام قید نمایند (اجرت المثل زمان تصرف پس از فسخ و انقضاء مدت مطابق اجرت المسمی است) و کمیسیون متوجه بود اجرت المثل (مانند قیمت المثل) همواره ناظر بواقعیت است نه بقرارداد و فقط مال الاجاره است که تابع قرارداد است. کمیسیون متوجه بود بر فرض موجر و

مستأجر کبیر و مختار نسبت بمال خود بتوانند مقرر نمایند که نسبت بمدت تصرف پس از انقضاء مدت اجاره اجرت‌المثل برابر اجرت‌المسمی تادیه شود موجر و مستأجر نسبت بمال غیر چنین اختیار و حقی را نمیتوانند داشته باشند، مثلاً متولی موقوفه و قیم صغیر و وصی محجور و مدیر تصفیه ورشکسته و مدیر عامل شرکت و هر عامل بمال غیر حتی وکیل چه موجر باشند چه مستأجر قانوناً حق و اختیار ندارند مقرر دارند اجرت‌المثل مطابق اجرت‌المسمی تادیه گردد و اصولاً الزام و اجبار ولو از ناحیه قانون مالک و مستأجر باشد نسبت باین گونه امور (که موضوعاً فردی و شخصی و ذاتاً و طبعاً اختیاری است) مباین و مخالف با اصول و قواعد و مبانی قضائی است که با صدق عنوان الزام و اکراه ارکان معامله و صحت آن خلل پذیر میگردد و کمیسیون مقصود مصلحت آمیز ماده ۶ را بنحوصحیحی تأمین میگرد مثلاً مقرر میداشت (با تادیه شدن اجرت‌المثل مطابق اجرت‌المسمی دفاتر و ادارات ثبت حق صدور اجرائیه علیه مستأجر و تخلیه مورد اجار نخواهند داشت) که با اتخاذ این روش و رویه فقط صلاحیت دفاتر و اداره ثبت محدود شده بود و مقصود قانون‌گذار بطور معقولی عملی و تأمین میگردید و مخالفتی با روح و معنویت قانون و قواعد و اصول مسلمه پذیرفته شده دانش حقوق نداشت و این نوع محدودیت (دفاتر اسناد رسمی و اداره ثبت و هر مرجع رسمی دیگر) در اختیار و حق دولت است و با این روش مقصود واقعی (و بحق) قانون بنحو مطلوب و معقول و صحیحی تأمین شده و بر اصول قضائی و مبانی حقوقی و حیثیت قواعد علمی لطمه وارد نمیگردید.

### پیشنهاد قابل توجه و بررسی

تصور میرود مقتفی باشد در قانون جدید مالک و مستأجر مقرر گردد (هر

مستأجری که مایل با ادامه تصرف باشد بایستی ظرف ده روز آخر مدت اجاره بدفترخانه تنظیم کننده سند اجاره مراجعه و سندی تنظیم نماید دایر باینکه یکسال دیگر در مورد اجاره با رعایت تمام شروط اجاره نامه قبلی و تأدییه اجرت المثل مطابق اجرت المسمی ادامه تصرف خواهد داد و دوازده قبض اقساطی بابت اجرت المثل دوازده ماهه بر مبنای اجاره قبلی امضاء نماید که دفترخانه با مراجعه موجر سند و قبوض مذکور را با و تسلیم نماید و ضمناً مقرر شود با تنظیم این سند هیچ حقی از حقوق ادعائی موجر و مستاجر تضییع و منقفی نمیگردد (و موجر و مستاجر حق مراجعه بمراجع قضائی برای بهره مندی و برخورداری از حقوق ثابت و بوجود آمده قانونی خواهند داشت) که باین رویه جمع بین حقیقین شده و قواعد و اصول پذیرفته شده دانش حقوق رعایت شده و حق ادامه تصرف مستاجر هم با تأدییه اجرت المثل مطابق اجرت المسمی (بر طبق نظر صائب مقنن و مقصود قانون تأمین و) محفوظ مانده و مشکلاتیکه فعلاً حسابداری ثبت و دفاتر نسبت بقبوض سپرده بابت اجرت المثل و تأدییه وجه آنها مواجه هستند بطور منظم و معقولی مرتفع خواهد شد<sup>۱</sup>

### تذکر لازم

امید است لوایح قانونی که (بقرار اطلاع) برای کاهش اجاره بها و استواری آن بر پایه معقول قابل قبول و مبارزه با بورس بازی زمین (که ضرورت غیر قابل مسامحه ایجاب آنرا دارد) و در شرف تهیه و تنظیم و تصویب است بطور معمولی و متداول در

۱- موضوع تودیع اجرت المثل و تأدییه به ذیحقان متعدد و تشخیص آنها و تعیین سهم هر یک و رفع اختلافات آنها در عمل مشکلات فراوانی برای دفاتر و ادارات ثبت و حسابداری بوجود آورده است و در بسیاری از فروع مانند استحقاق زوجه و عدم استحقاق او (از نظر قانون ارث ایران) و تعیین سهم الارث او در صورت استحقاق خارج از صلاحیت دفاتر و اداره ثبت است و فقط در صلاحیت مراجع قضائیتست.

اطاقهای در بسته و بدون توجه به نظریات اهل نظر و طریق صحیح عملی پی ریزی نکرده که مفید فایده و تأمین کننده مقصود نشود و مفاسد بهم بر مفاسد وضع ظالمانه فعلی اضافه نماید. مامدعی هستیم وضع ظالمانه (غیر قابل ادامه) فعلی نه فقط دراز منطبق و مصالح اجتماعی و مخالف حق و عدالت است (که در صورت ادامه مفاسد غیر قابل جلوگیری و جبرانی را در پی دارد) بلکه دراز منطبق قانون و غیر قابل انطباق با احکام تشریحی و مقررات کیشهای خدائی و معارض مصرحات کتب آسمانیست. اگر واقعاً مصالح عامه و جامعه و واقعیت در نظر است بایرون کشیدن پنبه‌ها از گوشه‌های شیندن گفته‌های متکی بقوانین تکوینی و تشریحی و اطلاع از اوامر و نواهی آسمانی و ارائه طریقه صحیح عملی برای جلوگیری از ادامه ظلم و ستم و اجحاف و تعدی بحقوق حقه عامه باشید. گوینده‌گانی برای عقب‌زدن پرده‌ها و جلوه‌گر ساختن حقایق و واقعیتها وجود دارند اگر شنوندگان خیر خواه دوراندیش حق طلبی وجود داشته باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از چشم غلط بین نبود کار جهان راست  
چون جوی بود کج نرود آب روان راست